

نگاهی به نمایش "در مزار توتون" به کارگردانی و بازیگری حسن معجونی دعوت به مراسم گردن زنی

در آغاز تئاتر "در مزار توتون" نوشته آنتوان چخوف و به کارگردانی و بازی "حسن معجونی"، قهرمان اثر که قرار است سخنران کنفرانسی در مزار توتون برای انجمن بانوان باشد، برای نشان دادن خطر استعمال دخانیات مگسی را داخل کیسه‌ای نایلونی می‌اندازد و دود حاصل از سیگار را در آن می‌دمد و مگس در طول اجرا می‌میرد. شاید این عمل آغازین کلیدی‌ترین راه ورود به دنیای اثر باشد.

آنجا که در آغاز، "مترسک" برای اثبات زیان‌آور بودن توتون مگسی را با دود سیگار می‌کشد. همین قسمت از اجرای کل تئاتر را وارد حوزه استعاری می‌کند. اکنون و با این دید می‌توان این آدم/ مترسک را و حتی لباسهایش و صحنه تئاتر را استعاره‌ای انگاشت از آدمهایی که چنین به حقارت کشیده شده‌اند. آیا این مگس خود شخصیت اصلی نمایش نیست که در طول نمایش به مرگ معنوی/ مجازی خود شهادت می‌دهد؟ مرگی که هیچ رستاخیزی نیز در پی آن متصور نیست و عاقبتی محتوم و تاریک در پی دارد؟

کاوه جلالی موسوی

روزنامه ایران، سه‌شنبه 2 مرداد ماه 1380، سال هفتم، شماره 1862

نگاهی به نمایش "در مضار توتون" نوشته "آنتوان چخوف" کارگردان "حسن معجونی" روح طنز چخوف، حاکم بر اجرا

کار معجونی بر روی اثر قبل از هر چیز در کشف لحظات و انتخاب پستی مناسب برای کاراکتر است. این پست مناسب که ضمن افزودن بر جذابیت اجرا می‌تواند ابعاد تحلیلی نمایش و ابعاد طنز و کمدی اثر را پررنگ کند همچنین در خدمت برقراری ارتباط با تماشاگران قرار می‌گیرد.

معجونی دو اصل "ارتباط" و "باورپذیری" را در یک اجرای کمدی به خوبی رعایت می‌کند وی در بازی خود موفق می‌شود تا به یک ارتباط تنگاتنگ با مخاطب برسد و باورپذیری مخاطب را نسبت به خود لحظه به لحظه افزون کند. اما این باورپذیری و ارتباط به شکلی نیست که تماشاگر احساس کند به تماشای یک "هجو" نشسته ایت. حتی تلاشی از جانب بازیگر به لحاظ موقعیت بر کمدی کردن اثر نیست، اما کمدی جاری در طول اجرا در دل موقعیت‌ها ارتباط بسیار مستقیمی با اصل نمایشنامه دارد، اما قدرت معجونی در کشف صحیح این موقعیت‌ها، انتقال آنها در صحنه و بازی ظریف است، که به بهترین شکل در خدمت لحظات ناب و دراماتیک اثر قرار می‌گیرد.

وقتی نگاهی به کارگردانی معجونی می‌اندازیم، به خوبی سادگی آشکار در اجرا را می‌بینیم. ما در طول نمایش با میزانشن‌های درشت و حرکات پویا روبه‌رو نیستیم اما اجرا به خوبی راه خود را پیش می‌برد. بازیگر در کمترین حرکت به گونه‌ای که هشتاد درصد اجرا را پشت میز ایستاده است، با تماشاگر حرف می‌زند و موفق به برقراری ارتباطی صمیمی با تماشاگر شده و گام به گام او را با خود همراه می‌کند.

آن بیست درصد باقی‌مانده هم به گونه‌ای طراحی شده است که تماشاگر را از باور یک سخنرانی دور نمی‌کند، حرکات دقیق، و جای حرکات با انتخابی دقیق‌تر صورت گرفته. معجونی از یک میز کوچک، و چند شی در طول نمایش استفاده می‌کند، و شکل استفاده خود از این اشیا را آنقدر اغراق نمی‌کند، به اندازه و مناسبت ضمن حفظ طنزمایه‌های اجرا سعی می‌کند روح چخوفی حاکم بر نمایش را به فضای سالن منتقل کند.